

یافته های نو در روان شناسی

سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۱

صفحات مقاله: ۱۴۳- ۱۳۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۶/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲

## اثربخشی برنامه آموزش مادران در میزان زورگویی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی

سید رضا پورسید\*

شعله امیری\*\*

حسین مولوی\*\*\*

سید مهدی پورسید\*\*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش اثربخشی برنامه آموزش مادران در کاهش زورگویی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی بود. نوع پژوهش آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان ابرکوه که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند. به منظور اجرای پژوهش پس از انجام جامعه سنجی و اجرای پرسشنامه روابط با همگان (که بخشی از آن زورگویی کودکان را اندازه گیری می نماید)، ۲۰ نفر از کودکانی که بر اساس تحلیل نتایج جامعه سنجی و نمرات کسب شده در پرسشنامه روابط با همگان، به عنوان زورگو طبقه بندی شده بودند به صورت تصادفی در دو گروه ۱۰ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند. مادران گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه (در هر هفته یک جلسه) در برنامه آموزشی کاهش زورگویی قرار گرفتند، ولی گروه کنترل هیچگونه آموزشی دریافت نکرد. آزمودنی ها پس از ۴۵ روز، مورد بررسی مجدد قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۶ و با استفاده از شاخص های توصیفی و آزمون تحلیل کواریانس چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تفاوت معنی داری ( $p < 0/001$ ) را در مرحله پس آزمون بین گروه آزمایش و کنترل نشان داد. نتایج در مرحله پیگیری نیز تفاوت معنی داری ( $p < 0/001$ ) را بین گروه آزمایش و کنترل نشان داد. با توجه به وجود تفاوت معنی دار بین گروه های آزمایش و کنترل در پس آزمون و در دوره پیگیری می توان گفت که برنامه آموزش والدین، به عنوان یک روش آموزشی موثر برای کاهش زورگویی در کودکان زورگو، قابلیت استفاده دارد. نتایج بر اساس بنیادهای نظری مورد تبیین قرار گرفته اند.

واژه های کلیدی: زورگویی، آموزش مادران

\* کارشناسی ارشد روان شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه اصفهان. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، گروه روان شناسی. (نویسنده مسئول). seyed\_reza\_poorseyed@yahoo.com

\*\* دانشیار روان شناسی، دانشگاه اصفهان

\*\*\* استاد روان شناسی، دانشگاه اصفهان

\*\*\*\* کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

## مقدمه

زورگویی، شکل خاصی از رفتار سلطه جویانه است و می توان آن را به صورت موقعیتی که در آن دانش آموز به طور مکرر و مداوم در معرض اعمال منفی فرد دیگر قرار می گیرد توصیف کرد (الویوس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). این اعمال منفی موقعی اتفاق می افتند که عدم تعادل بین قربانی و مهاجم وجود دارد. رفتار زورگویانه می تواند جسمانی باشد، (مثلاً صدمه زدن، هل دادن، لگد زدن)، کلامی (مثل اسم گذاشتن، خشمگین کردن، تهدید کردن، تهمت زدن)، یا می تواند شامل سایر رفتارها شود، مثل شکلک در آوردن یا محروم سازی اجتماعی. مطالعات در چندین کشور شیوع ۸ تا ۴۶٪ را برای کودکان قربانی و ۵ تا ۳۰٪ را برای افرادی که مرتباً زورگویی می کنند، نشان می دهد (الویوس، ۱۹۹۱؛ مویج<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ گنتا<sup>۳</sup> و دیگران ۱۹۹۶؛ بورگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ جونگر-تاس و کسترن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ نانس<sup>۶</sup> و دیگران، ۲۰۰۱؛ ولک<sup>۷</sup> و دیگران، ۲۰۰۱). زورگویی مداوم، به عنوان رفتار عود کننده که تکرار آن چندین بار در ماه، گاهی اوقات یا به صورت هفتگی است، تعریف می شود. پسران اغلب در مقایسه با دختران در زورگویی فعال ترند و زورگویی پسران مستقیم تر است (مثلاً ضربه زدن، لگد زدن). زورگویی دختران غیر مستقیم تر است (مثل راه ندادن دیگران، شایعه پراکندن). که گاهی به عنوان زورگویی ارتباطی از آن یاد می کنند (کریک و گرتپتر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶؛ ولک و دیگران، ۲۰۰۰). برای زورگویی بر دیگران، تفاوت های جنسیتی قابل توجهی وجود ندارد، پسران نیز به اندازه ی دختران مورد زورگویی واقع می شوند. زورگویی تنها در بین بچه های که زورگو هستند و یا مورد زورگویی واقع می شوند، اتفاق نمی افتد، بلکه پدیده ای گروهی است که سایر کودکان نیز در آن شرکت می کنند. تماشای آنها می توانند به فرد زورگو کمک کنند، یا سعی کنند به فرد قربانی کمک کنند، یا اینکه می توانند عقب نشینی کنند و خود را درگیر نکنند (اتلس و پپلر<sup>۹</sup>، ۱۹۹۸).

با وجود این واقعیت که اصطلاحات زورگویی و پرخاشگری اغلب به جای یکدیگر به کار می روند (پلیگرینی و لونگ<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲؛ اسچفر<sup>۱۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۲ و اسمیت<sup>۱۲</sup> و دیگران، ۱۹۹۹)، زورگویی یک نوع خاصی از پرخاشگری می باشد (ارپینس و هورن<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶). در حقیقت، اولین

1. Olweus
2. Mooij
3. Genta
4. Borg
5. Junger-Tas & Van Kesteren
6. Nansel
7. Wolke
8. Crick Grotpeter
9. Atlas & Pepler
10. Pellegrini & Long
11. Schafer
12. Smith
13. Orpinas & Horne

جزء توصیفی تعریف زور گویی رفتار پر خاشگری عمدی است. آن چیزی که موجب سردرگمی این دو سازه شده است. این است که ادبیات زور گویی برای تعیین تعاریف و توسعه زمینه نظری خود از ادبیات پر خاشگری کمک گرفته است (اسپلیج و اسویرر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در حالی که بسیاری از پژوهشگران اصطلاحات پر خاشگری و زور گویی را اشتباه می گیرند، دیگر پژوهشگران با درجه ای از موفقیت، در پی روشن کردن روابط بین این دو هستند.

کارشناسان آموزشی و روانشناسی (فلمینگ و تاوی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ الویوس، ۱۹۹۳، تراویک-اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ وارنر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) موافقت که علائم و آثار زور گویی هیچ وقت نباید نادیده گرفته شود. مسئله را در خود نگه داشتن و صرف علاقمند بودن برای ناپدید شدن مشکلات زور گویی، هیچ گاه کارساز نیست. به خاطر توجه و انعکاس رسانه ها به افزایش خشونت و زور گویی در بین جوانان در مدرسه، توجه عمومی را طی چندین سال گذشته به خود معطوف کرده است. اگر زور گویی متوقف نشود، در عملکرد مدرسه و رابطه با دوستان اختلال ایجاد می کند. زور گویی، تأثیری منفی بر سلامت روانی دارد. به صورت مکرر قربانی زور گویی قرار گرفتن خطر ابتلا به افسردگی را افزایش می دهد (سیمون و جیمز<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸) و اقدام به خودکشی و گوشه گیری نیز شامل این موارد است (نانسل و دیگران، ۲۰۰۱). زور گویی همچنین سلامت ضعیف را بدنبال دارد. به عنوان نمونه، تبهکاری در سالهای بعدی زندگی و افسردگی با زورگو بودن مرتبط بوده اند (جانگر-تاس و ون کسترن، ۱۹۹۹). زور گویی مکرر تأثیرات پنهان بر فرد می گذارد که به عنوان نمونه شامل خشم زیاد، افسردگی، اعتماد به نفس پایین و انزوا از اجتماع می باشد (نانسل و دیگران، ۲۰۰۱).

یکی از روش های مورد توجه در کاهش زور گویی روش آموزش والدین است. هدف برنامه های آموزش والدین، تقویت رفتارهای مثبت و رفتارهای اجتماعی مناسب می باشد و به طور همزمان بر کاهش رفتارهای منفی و رفتار اجتماعی نامناسب تمرکز می کند. به طور معمول آموزش والدین منجر به افزایش رفتارهای مثبت و مهارت های مدیریت رفتار می شود. آموزش والدین به طور گسترده استفاده می شود و رویکرد مداخله ای پذیرفته شده برای کودکان دارای اختلال رفتاری می باشد. خود کارآمدی والدین و ارتباط والدین- کودک مولفه های کلیدی دیدگاه آموزش والدین می باشد (بارکلی و دیگران، ۱۹۸۵). در این پژوهش برنامه آموزش والدین بر مدل یادگیری اجتماعی و شرطی شدن عامل متمرکز شد. و مولفه های برنامه آموزش والدین، ایجاد دانش واقعی از زور گویی، ایجاد ارتباط بین کودک- والدین و افزایش مهارت توجه والدین بود. همچنین ارائه دستورات، رشد تقویت اجتماعی، آموزش تغییر رفتار، استفاده بهینه از محرومیت و تقویت و مدیریت رفتار در مکان های عمومی و گردانی مشکلات رفتاری آینده آموزش داده شد. مطالعات متعدد در داخل و خارج از کشور بیانگر اثربخشی برنامه آموزش والدین در کاهش اختلالات

1. Espelage & Swearer
2. Fleming & Towey
3. Trawick- Smith
4. Warner & Sower
5. Simon & James

رفتاری بیرونی می باشد. کلاتری و عابدی (۱۳۷۷) در پژوهشی به بررسی میزان تاثیر آموزش رفتاری مادر بر کاهش اختلالات رفتاری بیرونی در کودکان پیش دبستانی پرداختند. نتایج نشان داد که برنامه آموزشی تنظیم شده در زمینه کاهش مشکلات رفتاری های بیرونی کودکان پیش دبستانی موثرتر از فقدان آموزش بوده است. محمدی (۱۳۸۷) در بررسی اثربخشی آموزش والدین در کاهش علائم نافرمانی در کودکان نشان داد که علائم اختلال نافرمانی مقابله ای به طور معنی داری کاهش یافته است. نصر اصفهانی (۱۳۸۸) در بررسی اثربخشی آموزش والدین بر پرخاشگری پسران دارای اختلال سلوک مقطع ابتدایی نشان داد که آموزش والدین می توانند به عنوان یک روش مداخله ای موثر برای کاهش پرخاشگری دانش آموزان مبتلا به اختلال سلوک به کار رود. باتر<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۰۷) در بررسی اثربخشی آموزش والدین در کودکان دارای علائم اختلالات تحولی پیش رونده نشان دادند ویژگی تند مزاجی، کج خلقی، پرخاشگری و خود آزاری کودکان کاهش یافته است. در مطالعه ای که در سال ۲۰۰۹ توسط استورلا<sup>۲</sup> و دیگران در بررسی اثربخشی آموزش والدین کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای<sup>۳</sup> و اختلال سلوک<sup>۴</sup> انجام شد، یافته ها نشان داد اعمال منفی کودکان پس از شرکت والدین آنها در برنامه آموزشی والدین کاهش یافته است. از آنجا که رفتار کودکان انعکاسی از روشهای تربیتی والدین است، بنابراین با توجه به پیشینه پژوهشی و امکان مشاهده تفاوت های بین فرهنگی، هدف این پژوهش پیگیری اثربخشی برنامه آموزش مادران در کاهش میزان رفتار زورگویی دانش آموزان پایه پنجم دبستان در سطح پس آزمون بود. بنابراین سوال قابل طرح این است که آیا آموزش مادران می تواند در کاهش رفتارهای زورگویی کودکان موثر واقع گردد؟ از آنجا که برنامه ای موثر است که بتواند اثربخشی خود را در طی زمان به اثبات برساند لذا هدف دیگر پژوهش بررسی اثربخشی روش آموزش مادران در مرحله پیگیری (۴۵ روز بعد از قطع آموزش) بود. بنابراین سوال قابل طرح دیگر این است که آیا اثربخشی برنامه آموزش مادران در مرحله پیگیری همچنان به کاهش رفتار زورگویی کودکان می انجامد؟

### روش پژوهش

نوع پژوهش آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری را کلیه دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان ابرکوه که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند تشکیل می داد. پیش از اجرای پژوهش مجوز اجرای پرسشنامه ها از مسئولین امر اخذ شده و همچنین توضیحات لازمه توسط دستیار پژوهشگر به دانش آموزان ارائه شد. تعداد ۷ مدرسه ابتدایی پسرانه (که کل مدارس پسرانه شهرستان ابرکوه را تشکیل می دادند) انتخاب شدند. از هر مدرسه یک کلاس به تصادف انتخاب و همه دانش آموزان کلاس به تعداد ۲۰۰ نفر مورد بررسی

1. Butter
2. Sturla
3. Oppositional disorder
4. Conduct disorder

جامعه‌سنجی به شیوه‌ای که در بخش ابزار توضیح داده خواهد شد، قرار گرفتند. به منظور اجرای پژوهش پس از انجام جامعه‌سنجی و تحلیل نتایج آن دانش‌آموزان انتخاب شده در جامعه‌سنجی به پرسشنامه روابط با همگنان (که بخشی از آن زورگویی کودکان را اندازه‌گیری می‌نماید) پاسخ دادند. سپس ۲۰ نفر از کودکانی که بر اساس تحلیل نتایج جامعه‌سنجی و نمرات کسب شده در پرسشنامه روابط با همگنان، به عنوان زورگو طبقه‌بندی شده بودند به صورت تصادفی در دو گروه ۱۰ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

ابزار پژوهش، پرسشنامه روابط همگنان و روش جامعه‌سنجی بود:

۱) پرسشنامه روابط همگنان (PRQ): این پرسشنامه خود گزارشی است که به منظور بررسی روابط همگنان کودکان مقطع ابتدایی تهیه و توسط کودک تکمیل می‌گردد. این پرسشنامه شامل ۲۰ سوال است و شامل ۳ زیرمقیاس زورگویی (هفت سوال)، قربانی (هفت سوال) و رفتار مطلوب اجتماعی (شش سوال) است. پاسخ هر سوال بصورت مقیاس نگرشی لیکرت در قالب چهار گزینه، هیچ وقت (یک امتیاز)، خیلی کم (دو امتیاز)، بعضی وقت‌ها (سه امتیاز) و بیشتر وقت‌ها (چهار امتیاز) می‌باشد. در مرحله بعد، از جمع امتیاز سوالات در هر زیرمقیاس، امتیاز مربوط به آن زیرمقیاس حاصل می‌شود. در پژوهش حاضر برای سنجش زورگویی از زیرمقیاس زورگویی استفاده گردید. پایایی این پرسشنامه برای بخش زورگویی ۰/۷ گزارش شده است (طباطبائی، امیری، مولوی، ۱۳۹۰).

۲) روش جامعه‌سنجی: بر مبنای روش جامعه‌سنجی کی<sup>۲</sup> و همکاران (به نقل از امیری، ۱۳۸۴) و دیامنتوپولو ریدل، تورل، بهلین<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) سوالاتی تنظیم شد و دانش‌آموزان کلاس نظر خود را در باره مشخصات زورگویی همکلاسی‌های خود مطرح نمودند. پس از جمع‌آوری داده‌ها سوالات مورد تحلیل قرار گرفت. افرادی که بالاترین نمره را بدست آورده بودند (بر مبنای سه نفر انتخاب در هر کلاس) به عنوان زورگو مشخص شدند.

در این پژوهش اجرای برنامه مداخله آموزش مادران، به عنوان متغیر مستقل و میزان زورگویی دانش‌آموزان به منزله متغیر وابسته، جنسیت و مقطع تحصیلی متغیرهای کنترل محسوب می‌شدند. پس از اجرای پیش‌آزمون روی گروه آزمایشی و کنترل، گروه آزمایشی به مدت ۹ جلسه (در هر هفته یک جلسه) در برنامه‌های آموزش مادران شرکت نمودند و آموزش لازم را دریافت کردند. ولی گروه کنترل آموزشی، دریافت نکرد. پس از اتمام جلسات آموزش مادران (پس از دو ماه) مجدداً از هر دو گروه آزمایش و کنترل خواسته شد پرسشنامه روابط همگنان را تکمیل کنند و مورد بررسی جامعه‌سنجی قرار گرفتند. پس از گذشت دو ماه از اجرای پیش‌آزمون، آزمون پیگیری به منظور تعیین پایداری اثر برنامه مداخله مجدداً اجرا گردید.

توضیح مختصری از جلسات آموزش مادران ارائه می‌شود. برنامه آموزش والدین شامل ۷ بخش و ۹ جلسه بود که عبارتند از:

1. Peer Relationship Questionnaire
2. Coie
3. Diamantopoulou, Rydell, Thorell & Bohlin

## جدول ۱. خلاصه ساختار جلسات آموزش مادران

زمان جلسات آموزشی	رتوس مطالب جلسات آموزش مادران و زمان اجرای آنها	
هفته اول	(۱) آشنایی با یکدیگر و اهداف برنامه و یادگیری درباره زورگویی	بخش اول: یادگیری درباره زورگویی
هفته دوم	(۱) آشنایی با مدل یادگیری اجتماعی و یادگیری روش های افزایش رفتار مطلوب و روش های کاهش رفتار نامطلوب	بخش دوم: روش های ایجاد و تغییر در رفتار کودکان
هفته سوم	(۱) آموزش مراقبت از خود و دیگران	بخش سوم: مهارت همدلی
هفته چهارم	(۱) آموزش مهارت های ارتباطی برای رسیدن به موفقیت	بخش چهارم: مهارت برقراری ارتباط بین فردی
هفته پنجم	(۱) آشنایی با هیجانات مختلف کودک	بخش پنجم: مهارت مقابله با هیجانات منفی
هفته ششم	(۲) آشنایی با خشم و راه های مقابله با خشم و بیان آن به صورت سازنده به کودک	
هفته هفتم	(۳) آشنایی با تکنیک های موثر آرامش در مقابله با فشار روانی به کودک	
هفته هشتم	(۱) آشنایی با مهارت حل مسئله و تصمیم گیری های سخت	بخش ششم: مهارت حل مسئله
هفته نهم	(۱) مرور بر جلسات قبلی و اختتامیه	بخش هفتم: شروع جدید و گفتن خداحافظی

## یافته های پژوهش

میانگین سنی و حجم گروه های آزمایشی و کنترل در جدول (۲) نشان داده شده است.

## جدول ۲. مشخصات توصیفی آزمودنی ها از نظر سن و پایه تحصیلی

گروه	حجم گروه	پایه تحصیلی	جنس	میانگین سنی	انحراف استاندارد
کنترل	۱۰	پنجم ابتدایی	پسر	۱۲/۶	۱/۲۵
آزمایشی	۱۰	پنجم ابتدایی	پسر	۱۲/۷	۱/۲۰

مندرجات جدول (۲) نشان می دهد که گروه های مورد مطالعه از نظر میانگین و انحراف استاندارد سنی تفاوت چشمگیری با یکدیگر ندارند؛ از طرفی پایه تحصیلی آنها نیز مشابه هم بوده است.

میانگین و انحراف معیار نمرات زور گویی کودکان (جامعه سنجی) در جدول (۳) ارائه شده است.

**جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات زور گویی کودکان (جامعه سنجی) به تفکیک مراحل و گروه ها**

گروه ها	مراحل	میانگین	انحراف معیار
کنترل	پیش آزمون	۲۷/۲۰	۱۱/۵۴
	پس آزمون	۲۸/۶۰	۱۲/۸۵
	پیگیری	۲۷/۵۰	۱۰/۲۱
آزمایشی	پیش آزمون	۲۳/۵۰	۱۰/۳۸
	پس آزمون	۱۱/۱۰	۴/۸۸
	پیگیری	۱۲/۵۰	۵/۹۱

در جدول (۳) شاخص های توصیفی گرایش مرکزی متغیر وابسته زور گویی کودکان (جامعه سنجی) به تفکیک گروه ها نمایان است. از آن جا که کسب نمره کمتر در این متغیر نشان از اثربخشی مداخله درمانی دارد، ملاحظه می گردد. میانگین گروه آزمایشی در پس آزمون نسبت به گروه کنترل کاهش معنی داری داشته است (۱۱/۱۰). این کاهش به صورت معنی داری در مرحله پیگیری گروه آزمایشی نیز دیده می شود (۱۲/۵۰).

میانگین و انحراف معیار نمرات زور گویی کودکان (پرسشنامه روابط همگنان) در جدول (۴) ارائه شده است.

**جدول ۴. میانگین و انحراف معیار نمرات زور گویی کودکان (پرسشنامه روابط همگنان) به تفکیک مراحل و گروه ها**

گروه ها	مراحل	میانگین	انحراف معیار
کنترل	پیش آزمون	۱۴/۹۰	۶/۴۱
	پس آزمون	۱۷/۵۰	۵/۲۵
	پیگیری	۱۸	۵/۲۹
آزمایشی	پیش آزمون	۱۷/۹۰	۲/۵۱
	پس آزمون	۹/۷۰	۱/۰۵
	پیگیری	۱۰/۹۰	۱/۱۹

در جدول (۴) شاخص های توصیفی گرایش مرکزی متغیر وابسته زور گویی کودکان (پرسشنامه روابط همگنان) به تفکیک گروه ها و مراحل نمایان است. از آنجا که کسب نمره کمتر در این پرسشنامه نشان از اثربخشی مداخله درمانی دارد، ملاحظه می گردد میانگین گروه آزمایشی در پس آزمون نسبت به گروه کنترل کاهش معنی داری داشته است (۹/۷۰). این کاهش به صورت معنی

داری در مرحله پیگیری گروه آزمایشی نیز دیده می شود (۱۰/۹۰). نتایج حاصل از تحلیل کواریانس یک متغیری بر روی نمرات زورگویی کودکان دو گروه بر اساس روش جامعه سنجی و به تفکیک مراحل در جدول (۵) ارائه شده است.

**جدول ۵. نتایج حاصل از تحلیل کواریانس یک متغیری بر روی نمرات زورگویی کودکان دو گروه، بر اساس روش جامعه سنجی و به تفکیک مراحل**

متغیر وابسته	مراحل	متغیرهای پژوهش	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
زورگویی کودکان	پس آزمون	پیش آزمون	۱	۱۴۴۰/۸۹	۹۳/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۸۴	۱
		عضویت گروهی	۱	۱۰۱۷	۶۵/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۷۹	۱
	پیگیری	پیش آزمون	۱	۸۳۳	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱	۰/۹۱
		عضویت گروهی	۱	۱۱۲۵	۱۵/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۰/۹۵

چنانچه مشاهده می شود بین پیش آزمون و پس آزمون رابطه معنی داری وجود دارد ( $P < 0/001$ ) و می بایست این رابطه کنترل می شد. با این وجود حتی بعد از کنترل اثر پیش آزمون بین دو گروه از لحاظ پس آزمون مربوط به نمرات زورگویی تفاوت معنی داری وجود دارد و عضویت گروهی ۷۹ درصد از تغییرات مربوط به نمرات مربوط به زورگویی کودکان زورگو را در پس آزمون تبیین می کند ( $P < 0/001$ ). لذا با توجه به اندازه اثر قابل قبول (۰/۷۹) می توان نتیجه گرفت که کاهش میزان نمرات زورگویی کودکان در گروه آزمایشی، ناشی از تاثیر متغیر مستقل یا آموزش مادران بوده است. توان آماری ۱ نیز نشان می دهد که حجم نمونه برای تحلیل ها کافی بوده است. به علاوه داده های جدول (۵) بیانگر این است که بین پیش آزمون و پیگیری رابطه معنی داری وجود دارد ( $P < 0/001$ ). بعد از کنترل اثر پیش آزمون بین دو گروه از لحاظ پیگیری مربوط به نمرات زورگویی کودکان بر اساس روش جامعه سنجی، تفاوت معنی داری وجود دارد و عضویت گروهی ۴۷ درصد از تغییرات مربوط به نمرات زورگویی کودکان بر اساس روش جامعه سنجی را در پیگیری تبیین می کند ( $P < 0/001$ ). توان آماری ۹۵ درصد نیز نشان از کفایت از حجم نمونه برای استفاده از تحلیل ها دارد.

**جدول ۶. نتایج حاصل از تحلیل کواریانس یک متغیری بر روی نمرات زورگویی کودکان دو گروه، بر اساس پرسشنامه روابط همگنان و به تفکیک مراحل**

متغیر وابسته	مراحل	متغیرهای پژوهش	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
زورگویی کودکان	پس آزمون	پیش آزمون	۱	۲۲۳/۴۸	۱۰۸/۱۷۶	۰/۰۰۱	۰/۸۶	۱
		عضویت گروهی	۱	۳۶۳/۸۷	۱۷۶/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۱
	پیگیری	پیش آزمون	۱	۲۱۷/۳۰	۷۷/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۸۲	۱
		عضویت گروهی	۱	۱۷۶/۰۵	۶۲/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱

نتایج حاصل از تحلیل کواریانس یک متغیری بر روی نمرات زورگویی کودکان دو گروه بر اساس پرسشنامه روابط همگنان و به تفکیک مراحل در جدول (۶) ارائه شده است. چنانچه مشاهده می‌شود بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون رابطه معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/001$ ) و می‌بایست این رابطه کنترل می‌شد. با این وجود حتی بعد از کنترل اثر پیش‌آزمون بین دو گروه از لحاظ پس‌آزمون مربوط به نمرات زورگویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و عضویت گروهی ۹۱ درصد از تغییرات مربوط به نمرات مربوط به زورگویی کودکان را در پس‌آزمون تبیین می‌کند ( $P < 0/001$ ). لذا با توجه به اندازه اثر قابل قبول (۰/۹۱) می‌توان نتیجه گرفت که کاهش میزان نمرات زورگویی کودکان در گروه آزمایشی، ناشی از تاثیر متغیر مستقل یا آموزش مادران بوده است. توان آماری ۱ نیز نشان می‌دهد که حجم نمونه برای تحلیل‌ها کافی بوده است. به علاوه داده‌های جدول (۶) بیانگر این است که بین پیش‌آزمون و پیگیری رابطه معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/001$ ). بعد از کنترل اثر پیش‌آزمون بین دو گروه از لحاظ پیگیری مربوط به نمرات زورگویی کودکان بر اساس پرسشنامه روابط همگنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و عضویت گروهی ۷۸ درصد از تغییرات مربوط به نمرات زورگویی کودکان بر اساس پرسشنامه روابط همگنان را در پیگیری تبیین می‌کند ( $P < 0/001$ ). توان آماری ۱ نیز نشان از کفایت از حجم نمونه برای استفاده از تحلیل‌ها دارد.

#### بحث و نتیجه‌گیری

آیا بین میانگین نمرات رفتار زورگویی دو گروه آموزش مادران و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ این پژوهش با هدف اثربخشی برنامه آموزش مادران در کاهش رفتار زورگویی دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان، انجام شد. یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین که از آموزش والدین به عنوان وسیله‌ای برای کاهش مشکلات رفتاری کودکان و افزایش مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای مثبت در آن‌ها استفاده شده بود، برای نمونه کلاتری و عابدی (۱۳۷۷)، محمدی (۱۳۸۷)، بارتو و دیگران (۲۰۰۷) و استورلا (۲۰۰۹) هماهنگی دارد. با توجه به این که در ایران مردان نسبت به زنان استقبال کمتری برای دریافت خدمات مشاوره‌ای دارند در نتیجه فقط مادران در برنامه آموزش کاهش زورگویی کودکان حضور داشتند. بنابراین گرچه اختلال و مشکل مورد نظر، روش پژوهش و شیوه کاربرد قالب در مطالعات ذکر شده از یکدیگر متفاوت است، اما یافته‌ها به طور کلی نشان می‌دهند که آموزش مادران می‌تواند به عنوان ابزاری موثر در جهت تغییر و جهت‌دهی رفتار کودکان به کار گرفته شود.

پژوهش‌های بسیاری از آموزش‌های مبتنی بر خانواده برای حل مشکلات رفتاری در کودکان سنین پیش‌دبستانی و اوایل مدرسه (ابتدایی) حمایت می‌کنند (اسو<sup>۱</sup> و اسو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). همچنین، پژوهش‌ها نشان داده است والدینی که کودکان آنها در معرض خطر اختلالات رفتاری هستند، ناکارآمدی‌های خانوادگی بیشتر، در مهارت‌های فرزندپروری شایستگی کمتر، راه‌حل‌های پیشنهادی کمتر برای

حل مشکلات رفتاری کودکان و همچنین سطوح بالاتری از ابتلا به اختلالات درون سازی شده را نشان می دهند (سرا<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۴). بر طبق سایر پژوهش ها، والدین کودکان مبتلا به اختلالات ایذایی برای مقابله با مشکلات رفتاری آنها به انتخاب راهبردهای نامناسب می پردازند و این انتخاب به نوبه خود مشکلات کودکان را افزایش می دهد.

موفقیت درمانی در هر یک از انواع مختلف برنامه های آموزشی برای والدین به استفاده ماهرانه، مداوم و باثبات مادران بستگی دارد. بنابراین مشارکت فعال در مباحث گروهی از ارزش زیاد برخوردار است و هرچه والدین انگیزه و تلاش بیشتری در به کارگیری اصول آموخته شده در جلسات داشته باشند، اثرات آموزش نیز افزایش خواهد یافت (کازدین<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۰۵). بنابراین شرکت فعال والدین در جلسات و انگیزه آنها، در نتایج آموزش اثری تعیین کننده دارد. در این برنامه ها در زمینه عملکرد و فعالیت های متناسب با سن و مرحله تحولی کودک اطلاعاتی در اختیار والدین قرار داده می شود و با بالا بردن شناخت و دانش آنها در زمینه هنجارهای رشدی و تحولی و پایین آوردن سطح انتظارات والدین متناسب با سن و مرحله تحولی او داشته باشند (سندرس و مورواسک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

در این روش، فنون شکل دهی رفتار بر اساس اصول یادگیری اجتماعی به والدین آموزش داده می شود. والدین یاد می گیرند که پیش آیندها (پیش آمدها) و پس آیندها (پیامدها) را چگونه دستکاری کنند تا به نتیجه دلخواه دست یابند و چطور رفتارهای کودکان را نظارت کنند و به آنها پاداش معینی بدهند و با توجه به رفتارهای مثبت مشکلات را کاهش داده و کمتر از تنبیه بدنی استفاده کنند. علاوه بر مشکلات رفتاری در برخی از پژوهش ها، این روش همچنین منجر به کاهش استرس و بهبود رابطه اجتماعی و پذیرش در والدین شده است (مارکی-ددز<sup>۴</sup> و دیگران، ۱۹۹۷). به نظر می رسد که آموزش به کار گرفته شده در این برنامه، الگویی از مهارت های اجتماعی و شیوه های مناسب برخورد در موقعیت های مختلف به کودکان ارائه داده است. این الگوها بر اساس رویکرد تحلیل رفتار (اسپیلگر و گورمنت، ۱۹۹۸، به نقل از هفتر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳) می تواند رفتارهای جدید را به کودکان آموزش دهد؛ رفتارهای هدفی که در خزانه رفتاری آنها وجود داشته است را بهبود و سازمان بخشد؛ آنها را به عمل به شیوه ای خاص برانگیزد و رفتارهای مثبت او را به صورتی غیرمستقیم تشویق کند. بنابراین، این برنامه از طریق آموزش مادران توانسته است مهارت های اجتماعی کودکان زورگور را افزایش دهد و در نتیجه موجب بهبود رفتارها و کاهش نشانه های رفتار زورگویی در آنها شود.

در این برنامه سعی شده بود که مهارت شناخت احساسات که زیربنای رفتار انسان به شمار می رود و به دنبال آن روش های ایجاد و تغییر رفتار کودکان، مهارت کنترل خشم، حل مسئله و مهارت

1. Serra
2. Kazdin
3. Sanders & Morawska
4. Markie-Dadds
5. Heffner

برقراری ارتباط بین فردی و ... به والدین آموخته شود. یادگیری این مهارت ها توسط والدین توانسته زمینه تصحیح تعاملات آن ها و کاهش نشانه های زورگویی را در کودکان فراهم کند. الگوی تهیه شده در پژوهش حاضر را می توان به روان شناسان و مشاوران مدارس ابتدایی آموزش داد تا پس از کسب مهارت های لازم آن را برای والدین اجرا کنند. کارایی این طرح در مرحله راهنمایی و بعد از آن ممکن است محدودیت پیدا کند. زیرا در دوره راهنمایی و دبیرستان موضوع بلوغ و نوجوانی دانش آموزان مطرح می شود که باید به آن توجه شود. از طرف دیگر تکنیک های اصلاح رفتار احتمالاً در سال های اولیه کودکی موثرتر از دوره های بعدی هستند.

این پژوهش محدود به نظر دانش آموزان در زمینه «گروه زورگو» بود. روشن است که نظر پدر و مادر و معلمان در این زمینه می تواند تکمیل کننده نظر دانش آموزان باشد. پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی نظر معلم و والدین نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای تعمیم بیشتر یافته ها، طرح در جامعه دانش آموزان دختر نیز اجرا شود. هم چنین سایر روش های درمانی نیز بررسی شوند.

Archive of SID

## منابع

- امیری، شعله. (۱۳۸۴). بررسی پیشرفت تحصیلی در گروه های جامعه سنجدی. مجله روان شناسی، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۹-۱۵۰.
- طبائیان، راضیه، امیری، شعله و مولوی، حسین. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عامل، پایایی، روایی و روایی تشخیصی پرسشنامه سنجش روابط همگنان (PRQ). مجله مطالعات آموزش و یادگیری (علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز)، دوره سوم، شماره دوم، صص ۸۳-۶۳.
- کلانتری، مهرداد و عابدی، محمد رضا. (۱۳۷۶). بررسی میزان تأثیر آموزش رفتاری مادر بر کاهش اختلالات رفتاری بیرونی در کودکان پیش دبستانی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، سال هشتم، شماره ۸، ۱۴۰-۱۳۹.
- محمدی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی آموزش والدین بر میزان علائم نافرمانی در کودکان دارای علائم اختلال نافرمانی مقابله ای. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- نصر اصفهانی، منیره. (۱۳۸۸). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی و آموزش والدین بر پرخاشگری پسران دارای اختلال سلوک مقطع ابتدایی شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- Atlas, R. S. and Pepler, D. J. (1998). Observations of bullying in the classroom. *Journal of Educational Research*, 92, 86-99.
- Borg, M.G. (1999). The extent and nature of bullying among primary and secondary school children. *Educational Research*, 41, 137-153.
- Butler, A. M., & Eyberg, S. M. (2006). Parent-child interaction therapy and ethnic minority children. *Vulnerable Children and Youth Studies*, 1(3), 246-255.
- Crick, N. R. and Grotpeter, J. K. (1995). Relational aggression, gender and social-psychological adjustment. *Child Development*, 66, 710-722.
- Crick, N.R. and Grotpeter, J. K. (1996). Children's treatment by peers: Victims of relational and overt aggression. *Development and Psychopathology*, 8, 367-380.
- Diamantopoulou, S., Rydell, A., Thorell, L. B., & Bohlin, G. (2007). Impact of executive functioning and symptoms of attention deficit hyperactivity disorder on children's Peer relations and School performance. *developmental neuropsychology*, 32(1), 521-542
- Espelage, D. L., & Swearer, S. M. (2003). Research on school bullying and victimization: What have we learned and where do we go from here? *School Psychology Review*, 32, 365-383.
- Essau C, Essau CA. (2003). Conduct and oppositional defiant disorders: Epidemiology, risk factors and treatment. Lawrence Erlbaum
- Fleming, M., & Towey, K. (Eds.). (2002, May). Educational forum on adolescent health youth bullying. Chicago American Medical Association. Copies are available at [www.ama-assn.Org/go/adolescent health](http://www.ama-assn.Org/go/adolescent%20health).
- Genta, M.L., Menesini, E., Fonzi, A., & Costablie, A. (1996). Bullies and victims in schools in central and southern Italy. *European Journal of Psychology of Education*, 11, 97-110.
- Junger-Tas, J., & Van Kesteren, J. (1999). Bullying and delinquency in a Dutch school population.

- The Hague, The Netherlands: Kugler.
- Kazdin A.E., Marciano P.L., Whitley M.K., (2005). The therapeutic alliance in cognitive-behavioral treatment of children referred for oppositional, aggressive and antisocial behavior. *APA American Psychological Association*; 720-730.
- Markie-Dadds C., Sanders M.R., Turner K.M.T. (1997). Every parent's group workbook. *Families International*.
- Mooij, T. (1992). Pesten in het Onderwijs. ITS, Nijmegen.
- Nansel, T.R., Overpeck, M., Pilla, R.S., Ruan, W.J., Simons- Morton, B. & Scheidt, P. (2001) Bullying behaviors among US youth: prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of the American Medical Association*, 285, 2049-2100.
- Nansel, T. R., Overpeck, M., Pilla, R. S., Ruam, W. J., Simons-Morton, B., & Scheidt, P.(2001). Bullying behaviors among US youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of American Medical Association*, 285, 2094-2100.
- Olweus, D.(1991). Bully/victim problems among school children: Basic fact and effects of a school based intervention program. In D. J. Pepler & K. H. Rubin (Eds.) *The development and treatment of children aggression*.(pp. 441- 448). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Olweus, D.(1993). Bully/victim problems in school: Knowledge base and an effective intervention program. *The Irish Journal of Psychology*, 18, 179-190.
- Orpinas, P., & Horne, A. M. (2006). *Bullying prevention: Creating a positive school climate and developing social competence*. Washington D.C.: American Psychological Association.
- Pellegrini, A.D., & Long, J.D. (2002). A longitudinal study of bullying, dominance, and victimization during the transition from primary school through secondary school. *British Journal of Developmental Psychology*, 20, 259-280.
- Sanders M.R., Morawska A. (2005). Can changing parental knowledge, dysfunctional expectations and attributions, and emotion regulation improve outcomes for children. *Encyclopedia on Early Childhood Development* (Online).
- Serra-Pinheiro M.A., Schmitz M., Mattos P., & Souza, I. (2004) Oppositional defiant disorder: A review of neurobiological and environmental correlates, comorbidities, treatment and prognosis. *Revista Brasilia de Psiquiatria*.
- Schafer, M., Werner, N.E., & Crick, N.R. (2002). A comparison of two approaches to the study of negative peer treatment: General victimization and bully/victim problems among German school children. *British Journal of Developmental Psychology*, 20, 281-306.
- Simon, C. H., & James, M. E. (1999). Appraisal and coping strategy use in victim of school bullying. *British Journal of Educational Psychology*, 74, 83-84.
- Sturla, F., Willy-Tore, M., Bjørn, H. H., May, B. D., & Bo, L. (2009). Parent training for young Norwegian children with ODD and CD problems: Predictors and mediators of treatment outcome. *Scandinavian Journal of Psychology*, 50(2), 173-181.
- Trawick-Smith, J. (2006). *Early childhood development: A multicultural perspective* (4th ed.). Upper Saddle River, NJ: Merrill.
- Warner, L., & Sower, J. (2005). *Educating young children from preschool through primary grades*. Boston: Pearson
- Wolke, D., Woods, S., Bloomfield, L., & Karstadt, L. (2000) The association between direct and relational bullying and behaviour problems among primary school children. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 41, 989-1002.
- Wolke, D., Woods, S., Stanford, K., & Schulz, H. (2001) Bullying and victimization of primary school children in England and Germany: Pprevalence and school factors. *British Journal of Psychology*, 92, 673-696.